

فرهنگ کنایه

(نثرهای فنی و مصنوع)

تألیف:

حافظ صادق پور

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

انتشارات حافظ اندیشه

۱۳۸۹

سرشناسه : صادق پور، حافظ، ۱۳۵۱ -
 عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ کنایه : نثرهای فنی و مصنوع/تألیف حافظ صادق پور.
 مشخصات نشر : اردبیل: حافظ اندیشه، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری : ۲۳۴ص.
 شابک : ۶۰۰۰۰ ریال: 978-600-5245-01-1
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : کنایه -- واژه نامه ها
 موضوع : فارسی -- اصطلاح های عوامانه -- واژه نامه ها
 موضوع : کنایه در ادبیات
 رده بندی کنگره : PIR ۲۹۵۴/ص ۲۴۴ ف ۴ ۱۳۸۹
 رده بندی دیویی : ۳۹۴
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۱۵۱۱۲

عنوان: فرهنگ کنایه (نثرهای فنی و مصنوع)
 مؤلف: حافظ صادق پور (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا)
 ناشر: حافظ اندیشه
 تایپ، حروفچینی:
 صفحه آرائی و طرح جلد: حجت ایرانی
 چاپ: فرهنگ
 سال نشر: ۱۳۸۹
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی:
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۴۵-۰۱-۱
 قطع: وزیری
 تیراژ: ۱۰۰۰
 قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است



آدرس: اردبیل - چهارراه پیرعبدالملک - روبه روی جمعه مسجد - پلاک ۱۹۳
 Email: sadeghpoor1735@gmail.com تلفن: ۰۹۱۴۴۵۲۴۵۱۴

فهرست مطالب

مقدمه	۵
کنایه از دیدگاه دکتر بهروز ثروتیان	۸
کنایه در کلمات و ترکیبات	۸
اقسام کنایه	۹
اقسام کنایه از دیدگاه قهّما	۹
کنایه از دیدگاه جناب دکتر حسن انوری	۹
کنایه از دیدگاه دکتر تقی وحیدیان کامیار	۱۰
کنایه چیست	۱۱
ویژگی ها و زیبایی های کنایه	۱۱
کنایه از دیدگاه احمد هاشمی مؤلف جواهر البلاغه	۱۳
فهرست منابع و مآخذ	۲۳۳

فصل اول

مقدمه:

فرهنگ پیش روی شما چکیده پژوهش در بیست اثر نثر فنی و پیچیده زبان و ادبیات فارسی است. گشت و گذار در گلستان نثرهای استادانه و ماهرانه ادبیات فارسی رایجهایی از مفاهیم ژرف و ماندنی از اسطوره‌ها، رخدادهای سیاسی، اجتماعی تاریخی، باورهای عامیانه و اندیشه‌های دینی، فلسفی، و دردانه های عرفانی را برای خوانندگانشان به ارمغان می‌آورد. ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که دگرگونی در همه چیز از جمله زبان حیرت‌انگیز است چرا که زبان در ظرف زمان قرار دارد، هر اتفاق اثرگذار تاریخی را در خود نگهداری می‌کند. گردآوری و بررسی گنجینه کهن و دیرین واژگان و ترکیبات مرده و زنده نثر فارسی به ما در دنیای عصر ارتباطات نوآوری کمک‌شایانی می‌کند، تا آنچه را امروز تجربه و زندگی می‌کنیم با پشتوانه ای قوی از زبان اصیل فارسی برای نسل آینده به یادگار بگذاریم و زبان پل ارتباطی ما با گذشتگان و آیندگان گردد. فراموشی گنجینه واژگان و ترکیبات فارسی یکبارہ روی نمی‌دهد؛ بلکه امر تدریجی است. نثر فارسی عمر هزارساله دارد و در طول این هزار سال کتابهایی در موضوعهای مختلف نوشته شده‌اند که بسیاری از آنها چشمه ای زلال و کوهستانی بلند از زیبایی صورت و سیرت را دارا هستند. بسیاری از این شاهکارهای ادبی مایه تقلید و تتبع پسینیان و معاصران گردیده است.

باید گفت، شیوه و اسلوب نگارش متون نثر فارسی در دوره‌های گوناگون، متفاوت بوده است و با تحولات گوناگون زندگی در انواع نثر هم دگرگونی‌هایی پدید آمده است. نثر فارسی تا قرن پنجم به شیوه ساده (مرسل) یا ساده عالی نوشته می‌شود و در پایان این قرن اندکی به فنی نویسی گرایش پیدا می‌کند و از قرن ششم تا قرن هشتم دوره شکوفایی نثر فنی و موزون محبوب می‌گردد و پایه گذاری نثر مصنوع با مرزبان نامه و راوینی در قرن هفتم گذاشته می‌شود.

نثرنویسان از قرن ششم با بهره‌گیری از فنون بدیعی و بیانی به نوآوری و صنعت‌پردازی در نثر پرداختند و صورت اثر خود را زیباتر از قبل جلوه گر ساختند و برخی از نثرنویسان و منشیان درباری در دوره بعدی باور داشتند که صنعت پردازی و پیچیده گویی را در نهایت اغراق به کار بندد و تمامی هنر و ابتکار خود را در راه چنین باوری صرف سازد و وجه تمایز آثار هنری را در زیبایی صوری و صنعت

پرداز می دانستند. اینگونه شد که بر پیچیدگی نثر فارسی منشیان دریاری افزودند؛ البته رقابت ما بین دربارها و تشویق شاهان شهرت طلب و ادب دوست هم مزید بر علت شد و آثار مغلق و پیچیده طعم لذت فهم آسان را از مخاطبان اثرشان گرفتند، در مقابل برخی راه میانه روی را برگزیدند و لذت کشف سخن سهل ممتنع را به خوانندگانشان هدیه دادند. به طور کلی استفاده از آرایه های ادبی و صور خیال مانند تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه و دیگر فنون ادبی از ضرورت های این گونه متون فارسی گردید.

کاربرد کتابه حاصل زیبایی آفرینی است و به خلاقیت ادبی نویسنده مربوط می شود؛ اما، هر جا پوشیده گویی برای گریز از موقعیت و صحنه خطرناک بوده است، نویسندگان و گویندگان زبان فارسی برای در امان ماندن و حفظ جان خود بدین کار دست می یازیده اند و گاهی کنایه برای نگه داشتن حرمت و ادب، نکوهش، تحقیر و تشویق، امتحان هوش مخاطب، خلاصه گویی یا استدلال و اثبات ادعایی استفاده می شد؛ البته گویندگان عادی به طور معمول از کنایاتی که صورت مثل پیدا کرده اند، بیشتر بهره می گیرند؛ ولی گویندگان باذوق و هوشمند درصدد کاربرد کنایه های بعید و بدیع هستند، تا اعجاب مخاطب را بالا ببرند و بر تأثیر سخن بیفزایند. همچنین کاربرد کنایه و در لافاه سخن گویی با بسامد بالا در گفتار و نوشتار، برخی اوقات حاصل استبداد، عدم آزادی بیان، زور و اجبار است. در ضمن بایسته است یادآوری کنم، جنبه های تربیتی و اخلاقی کنایه نباید فراموش گردد.

کنایه یکی از برجسته ترین شکوهای زیبا آفرینی در شعر و نثر است. کنایه در کنار صور خیال دیگر بلاغت سخن را دوچندان می کند. کنایه معنی را در ذهن مجسم می سازد و رساتر از تصریح گویی است. کتابه در آثار مورد بررسی زائیده شرایط سیاسی، اجتماعی، تاریخی، واکنش های عاطفی و هنر خلاقانه نویسنده است و در اینجا باز می توان گفت رویکرد فنی و پیچیده گویی حاصل زمانه بوده است و با تحولات گوناگون زندگی اجتماعی ایرانیان در انواع نثر هم دگرگونی هایی پدید آمده است. چون جامعه ایرانی از قرن چهارم وارد دوران بحرانی می شود و سیاست خصمانه ای بر جامعه حاکم می گردد و در دنباله چنین مسابلی حملات فجیع خاتمانسوزی مانند حملات مغولان و تیموریان پدید می آید. طبیعی است که در چنین جامعه ای آشوب زده ترس از صریح گویی یک امر بدیهی باشد هر چند زیبا آفرینی در نثر و به ویژه شعر را من فراموش نمی کنم. در عصر حاضر با گسترش علوم و ارتباطات برای پاسخگویی به نیازهای کلامی و ارتباطی ضرورت زایش و گسترش زبان از طریق زبان مجازی، استعاره و کنایه دوچندان گردیده است و ما با واژگان اندک و محدود در برابر تحولات گوناگون و گسترده جامعه، نیاز به زبانی پویا و زایا داریم. در عصر فناوری و اطلاعات برای مقابله با واژگان و اصطلاحات غیر بومی داشتن زبانی زایا و پویا یک امر لازم و حتمی شمرده می شود. زبان بومی باید بتواند از اندوخته های گذشته یا با گسترش واژگان و اصطلاحات تازه و امروزی سد محکمی در برابر هجوم واژگان بیگانه ایجاد کند و از ورود کلمات و ترکیبات بیگانه جلوگیری کند. هر چند باور داریم فرهنگ پویا دارای داد و ستد زبانی است و یکسویه با

سختگیری تمام نمی توان در برابر واژگان بیگانه ایستادگی کرد؛ اما، می توان از ارتباط یا غلبه یکسویه زیانهای بیگانه پیشگیری کرد. گاهی مقاومت بیجا هم درست نیست. وقتی برابر نهادی در برابر کلمات و اصطلاحات در فرهنگ لغت نداریم می توان با رعایت اصول صرف و نحو ساختار زبان فارسی معدودی واژگان بیگانه را به کار بست. فرهنگ کنایه راهی برای زنده نگه داشتن گذشته ارتباطی و فرهنگی ما در عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی و فردی است که گاهی این کنایات از میان مردم باذوق کوچه و بازار در مناسبتهای گوناگون زندگی روزمره خلق شده است و به آثار مکتوب ما راه پیدا کرده است یا حاصل ابداعات شاعران و نویسندگان توانا و سهالاران عرصه خامه و خیال بوده است و در فرهنگنامه ها و آثار ادبی می خوانیم و برخی از کنایات در زبان روزمره راه پیدا کرده است.

در پژوهش حاضر برای گردآوری کنایه از نثرهای فنی و مصنوع استفاده شده است و در گزینش آثار مورد پژوهش موضوع خاصی مدنظر نبود؛ بلکه سعی شده است نمونه هایی از انواع نثر فارسی در نثر فنی و پیچیده انتخاب گردد. دوره مورد پژوهش ما قرن ششم تا هشتم می باشد. دو اثر مهم مانند درّه نادره و تاریخ گیتی گشا از قرن دوازدهم و یک اثر از قرن سیزدهم به نام تجوید الاحرار و تسلیة الابرار بر این آثار افزوده شد. فرهنگ حاضر به صورت بسامدی براساس صورت نوشتاری نه تلفظی تهیه و تدوین شده است و به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران و علمای بلاغت کنایه به صورت جمله یا عبارت است و واژه مفرد را در حوزة کنایه نمی آورند. نویسنده براساس چنین دیدگاهی به صورت بسامدی، رایج ترین کنایه یعنی کنایه های جمله ای و فعلی را گردآوری کرده است؛ اما، مواردی هرچند اندک از دیگر کنایه های اسمی و وصفی غافل نبوده است. فرهنگ حاضر دو سال پیش به اتمام رسیده بود با تأسف بسیار نسخه ویرایش شده آن مفقود شد تا اینکه دوباره به جمع آوری و ویرایش برگه های پژوهش پرداختم و آنها را بدین صورت ارائه دادم.

حقیر فرهنگنامه ای غیر از فرهنگ لغات نثرهای فنی و مصنوع استاد بزرگوارم جناب دکتر محمود مدبری در قلمرو نثرهای فنی و مصنوع ندیده ام، پس ضرورت نگارش چنین فرهنگ دوچندان گردید. اذعان دارم فرهنگ حاضر دچار کاستی فراوان است در چاپ بعدی با کمک و عنایت الهی کمر همت به رفع آن خواهم بست و نویسنده ادعا ندارد که فرهنگ او خالی از اشکال است و کاملترین فرهنگ در نوع خود است، بلکه فرهنگ ناچیز حاضر به همراه آثار بزرگ دیگر در این زمینه کمک به کسانی می کند که در آینده نزدیک قصد دارند، مجموعه کاملی را با بهره گیری از تلاشهای این چینی و با پشتکار و دقت نظر بیشتری ارائه کنند، باشد که آن صبح دولت بدهد. امیدوارم اهل قلم و استادان مرا به خاطر خامی و گستاخی ببخشند و پشیمان نیستم که لحظه هایی از عمرم را در راه گردآوری کنایه های زبان فارسی سپری کرده ام. هر چند برخی امکان دارد این اثر را نپذیرند و به دیده تحقیر بنگرند و برخی دیگر به خاطر بزرگواری چشم پوشی کنند، هر چه بگویند و بکنند همه از سر کمال خواهی برای مبتدیان و خامانی چون

من بی بضاعت مزجاء است. در شمه ای از مشکلات پژوهش حاضر همین می‌توانم بگویم. برای بدست آوردن و مطالعه سندبادنامه دو هفته‌ای را همان کتابخانه ملی بودم؛ اما، بعد از دو هفته ای وقتی به اردبیل آمدم همان کتاب را در کتابفروشی دیدم. در آن دم این مثل به یادم افتاد که: آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم. در اینجا برخی دیدگاه صاحب نظران را در مقدمه آوردیم تا برای خوانندگان فرهنگ، دریچه ای برای تعریف کنایه و اقسام آن باشد و مثنی کوچک از میان کتابها و مقالات گوناگونی پر باری است که توسط دیگر استادان اهل فن نوشته شده است و عدم انتخاب دیگر پژوهشها به منزله دست کم گرفتن یا کم مایه بودن نیست؛ بلکه بنا بر سلیقه و با در نظر گرفتن برخی مزیتها در اینجا از سه پژوهش یاد می‌کنیم. در پایان از استادان بزرگوار و فرهیخته ام مرحوم جناب دکتر جواد برومند سعید، جناب دکتر ابوالقاسم رادفر، جناب دکتر یحیی طالبیان، جناب دکتر عبدالرضا مدرس زاده، جناب دکتر محمود مدبری و سایر استادان و معلمان، به پاس زحمات و تشویق های پیاپی ایشان در راه پژوهش و آموزش در اینجا کمال قدردانی خود را، اعلام می‌دارم.

کنایه از دیدگاه دکتر بهروز ثروتیان^۱

«کنایه سخنی است که معنی حقیقی و نهاده ی آن قابل رد نیست و لیکن به اقتضای حال و در نسبت و مناسب زمان و مکان و موضوع و مقال، معنی دیگری از آن فهمیده می‌شود»

(فن بیان در آفرینش خیال، ص ۲۲۴)

کنایه در کلمات و ترکیبات

همیشه یک کلمه هنگامی که به عنوان رمز یا نماد (سمبل) به کار می‌رود، در باب کنایه جای بحث دارد. اما گاهی ترکیبات اضافی، معنی کنایی دارند و در واقع معنی از صفات چیزی یا کسی را با کنایه بازگو می‌کنند. این ترکیبات اضافی ممکن است صفت و موصوف یا مضاف و مضاف‌الیه باشند و در همین صورت اخیر نیز در اترواع اضافه ها، کنایه قابل بررسی است توضیحی، ملکی، میانی، تشبیهی، استعاری، الخ. (فن بیان در آفرینش خیال، ص ۲۴۹).

«برخی از کنایات به عرف و سنت میان اقوام و ملتها بستگی دارد و ای بسا در شهری و ولایتی معروف است و در دیار دیگر ناشناخته می‌نماید و در زمانی معروف و مرسوم بوده، با گذشت زمان در پردی ابهام مانده است به گونه‌ای که گاهی فهم معنی کنایی آن به تحقیق و پژوهش نیازمند است و ای بسا ناشناخته می‌ماند و برخی نیز در فرهنگها ضبط شده است و گرنه بی‌کمک فرهنگنامه‌ها و بی‌یاری دلالت عقلی و منطقی فهم معنی ممکن نمی‌گردد». (فن بیان در آفرینش خیال، صص ۲۵۲-۲۵۳).

اقسام کنایه

واقعیت این است که این باب از فن بیان قابل تقسیم بندی نیست و همانند تشبیه نمی توان آن را به حسّی و عقلی و انواع دیگر محصور کرد... بلکه کنایه دارای یک مشخصه است و آن این است که: «کلام افزودن بر معنی نهاده و حقیقی خود، گاهی بر اساس مقدمات و با در نظر گرفتن مقصود نهانی هنرمند دارای معنی نهفته ای نیز هست که قابل فهم و درک است لیکن اثبات آن خالی از اشکال نیست» و این معنی مقصود و کنایی در پرده و یا در پرده ها پوشیده است و از سه حال بیرون نیست:

الف - برای همه ی مردم، فهم آن آسان است

ب- برشنونده ی هنرمند و هنرشناس و اهل ادب فهم آن آسان است

ج- برای شنونده ی هنرمند و هنرشناسی فهم آن آسان نیست. (فی بیان در آفرینش خیال، صص ۲۶۹-۲۷۰).

اقسام کنایه از دیدگاه قدما

قدمای اهل فن بیان و به تقلید از ایشان، پژوهشگران عصر ما، کنایه را به اعتماد وسایط چهار قسم دانسته اند: تعریض، تلویح، رمز و ایما.

۱- تعریض: تعریض در لغت به معنی گوشه زدن است و از کلمه ی عرض به معنی جانب یعنی به جانبی اشاره کردن و جانب دیگری را قصد نمودن.

۲- تلویح: تلویح در لغت به معنی اشاره کردن است به چیزی از دور در اصطلاح علم بیان، کنایه ای است که کثیرالواسطه باشد، در واقع همان کنایه ی بعید است.

۳- رمز: رمز در لغت به معنی اشاره کردن است به صورت مخفی و در اصطلاح علم بیان کنایه ای است نزدیک که معنی آن مخفی باشد و با تفکر، معنی آن مفهوم گردد و آن را کنایه ی خفیه گویند.

۴- ایما یا اشاره: کنایه ای است که معنی آن روشن باشد یعنی بتوان به سهولت معنی کنایی را دریافت.

(فن بیان در آفرینش خیال، صص ۲۷۴-۲۷۵)

کنایه از دیدگاه جناب دکتر حسن انوری^۱

دیدگاه جناب دکتر حسن انوری درباره ی کنایه در مجله ی بخارا این گونه آمده است: «جاذبه ی زبان انگلیسی در حدی است که می بینیم نه در تهران بلکه در دور افتاده ترین روستاهای کشورمان دکاندار مایل است، نام انگلیسی بر مغازه خودنهد، خوب در مقابل این هجوم بی امان چه کار باید بکنیم؟»

۱- حسن انوری، «زایش و گسترش کنایات در زبان فارسی»، بخارا، شماره ۴۱، سال هفتم، فروردین و اردیبهشت

به نظر می رسد قدرت مادی و معنوی فرهنگستان برای مبارزه با این هجوم، وافی به مقصود نیست، شاید هم بی جا باشد که از فرهنگستان انتظار داشته باشیم این وظیفه را به تنهایی بر دوش بکشد، همه ارگان های دولتی و غیر دولتی و هر کسی که به زبان فارسی علاقمند است و بقای ملیت را در بقای زبان می بیند باید در این امر شرکت جوید. طبعاً در کنار واژه سازی و واژه گزینی امور دیگری هم هست که به این امر کمک می کند.

جمع آوری واژگان گویش های محلی و تالیف فرهنگ های گوناگون از آن زمره است و هدف ما از تدوین فرهنگ کنایات نیز از جمله، همین مسئله بوده است.

چرا که اغلب اصطلاحاتی که در علوم گوناگون ساخته شده و اکنون نیز ساخته می شود از نظر گاه علوم بلاغی از مقوله مجاز و استعاره و کنایه است که ما برای اختصار کنایات می گوئیم.

توضیحی باید به عرض برسانم که تعداد واژه هایی که در زبان وجود دارد و از نظر علوم بلاغی کاربرد حقیقی دارند نسبت به شیای دنیای خارج بسیار اندک است ولی انسان با اختراع زبان کنایی توانست است این کمبود را جبران کند، در واقع بیشتر اصطلاحات علمی از مقوله کنایه هستند.

اصطلاحات تصوف، اصطلاحات نجوم، اصطلاحات گیاه شناسی، اصطلاحات موسیقی، اصطلاحات فنون گوناگون نیز همین طور، سنگ دست در مکانیک، توگلو در خاتم کاری، دست گرمی در ورزش، ریز پلنگ در موسیقی، استیفا در دیوان های قدیم، آستر بدرقه در صحافی و صداها و بلکه هزاران اصطلاح دیگر همگی کاربردهای غیر حقیقی هستند و چنین است اصطلاحاتی که جدیداً در فرهنگستان ساخته می شود و حتی واژه های جدیدی که در زبان های دیگر ساخته می شوند. اکثراً از نظر علوم بلاغی نسبت به اصل لغت و بنا به گفته ی قدما بنا به وضع واضح از مقوله ی کنایات هستند.

کنایه از دیدگاه دکتر تقی وحیدیان کامیار^۱

مقدمه:

کنایه هم سنگ استعاره و تمثیل، یکی از برجسته ترین ترفندهای وینا فنی و شعر است. کنایه نقاشی زبانی است، یعنی سخن را تا حد تصویر اعتلا می دهد؛ هم سخن است و هم نقاشی - سخن است و دارای مفهومی و احیاناً پیامی، نقاشی است چون می تواند مفهوم پیام را نشان دهد. مثلاً اگر بگوئیم: «گدایی مکن»، این سخن تنها مفهومی را ابلاغ می کند و فاقد هرگونه زیبایی است؛ اما وقتی خاقانی می گوید: «دست کفچه مکن به پیش فلک»، «دست کفچه کردن» صورت تصویری «گدایی» است و دستی را در نظر مجسم می سازد که چون کفچه دراز شده است. می گوییم: «فلانی با شنیدن این

۱- تقی وحیدیان کامیار، «کنایه، نقاشی زبان» نامه فرهنگستان، سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۵، صص ۵۵-۶۹.

خبر پشت چشم نازک کرده. «پشت چشم نازک کردن» تصویر فخر فروشی و تکبر و به اصطلاح افاده کردن است.

(کتابه، نقاشی زبان، ص ۵۵)

راحت تر قبول این معنی است که در کتابه لازم و ملزومی در کار نیست. مثلاً می‌گوییم: «من از تو یک پیراهن بیشتر پاره کرده‌ام» و غرض این است که تجربه‌ام از تو بیشتر است.

«یک پیراهن بیشتر پاره کردن» نه لازم تجربه بیشتر داشتن است و نه ملزوم آن بلکه ملازم آن است. پس در کتابه، به جای آوردن یک معنی، ملازم یا یکی از ملازم‌های آن را می‌آوریم.

معمولاً هر معنی دارای چندین ملازم است؛ مثلاً «کریم بودن» دارای ملازم‌های متعددی است، از جمله: «باز بودن در خانه گسترده بودن سفره، زیاد بودن خاکستر، ترسو بودن سگ، لاغر بودن بچه شتر، مهربان بودن غلام» در کتابه، برجسته‌ترین یا یکی از برجسته‌ترین ملازم‌ها انتخاب می‌شود. (همان، ص ۵۶)

کتابه چیست:

کتابه، چنان که اشاره رفت، آوردن ملازم یا یکی از ملازم‌های یک معنی است به جای خود آن معنی. به عبارت دیگر، آوردن ملازم یک معنی است به طوری که ابتدا معنی ملازم را دریابیم و سپس ذهن از معنی ملازم به معنی اصلی منتقل شود.

مثلاً اگر کس بگوید: لشکریان دشمن سپر انداختند ابتدا تصویر سپر انداختن در ذهن نقش می‌بندد، پس از آن، مفهوم تسلیم شدن به تصور در می‌آید. سپر انداختن ملازم مقاومت نکردن و تسلیم نشدن است؛ به عبارت دیگر، سپر انداختن صورت دیداری و ملموس تسلیم شدن است. پس می‌توان گفت: کتابه آوردن صورت ملموس یک معنی است به شرط آنکه ابتدا این صورت به ذهن برسد و ذهن را به معنی اصلی متوجه سازد.

(همان، ص ۵۷)

ویژگی‌ها و زیبایی‌های کتابه

۱- دویبعدی بودن: نخستین ویژگی کتابه دویبعدی بودن آن است: یکی معنی نزدیک یعنی تصویری که ملازم معنی مراد است، دیگر معنی دور یعنی خود معنی مراد. دو با چندبعدی بودن یکی از عوامل مهم زیباآفرینی در کلام ادبی است این خصلت در زبان خبر عیب است زیرا در پیام رسانی اختلال پدید می‌آورد و مزاحم است.

اما کلام ادبی، به ویژه شعر، زبان خبری نیست بلکه زبان هنری است و این زبان هر چه ابعاد در آن بیشتر باشد زیباتر است. (همان، ص ۵۸)

۲- نقاشی زبانی: دومین ویژگی کتابه تصویرگری آن است؛ یعنی در کتابه، به جای آن که چیزی را

بگویند، تصویر آن را نشان می دهند. کنایه هم مانند سخن مفهوم و پیامی دارد و هم مانند نقاشی آن مفهوم و پیام را نشان می دهد. هم سخن است و هم نقاشی، مزایای هر دو را دارد سخن قدرت تفهیم و تفهم دارد اما نمی تواند مفاهیم را نشان بدهد. نقاشی نشان می دهد اما قدرت تفهیم و تفهم را ندارد کنایه هم بیان می کند هم نشان می دهد.

از میان صور گوناگون خیال، تنها کنایه است که به خوبی مفاهیم را به صورت نقاشی نشان می دهد؛ یعنی شعر، که هنری شنیداری است، با ترفند کنایه وارد حوزه نقاشی می شود که هنری است دیداری. شک نیست که نشان دادن برتر از گفتن است، همان گونه که دیدن برتر از شنیدن است: شنیدن کی بود مانند دیدن؟ (همان، ص ۶۰)

۳- عینیت بخشیدن به ذهنیت: یکی دیگر از ویژگی های کنایه این است که به ذهنیت ها عینیت می بخشد. (همان، ص ۶۱)

۴- ابهام: کنایه، به علت دوبعدی بودن و انتقال از ملازم به معنی اصلی، دارای نوعی ابهام است اصولاً شعر کلام سرراست نیست. انسان از هر چه مبهم باشد، که با تلاشی ذهنی بتوان ابهام آن را کشف کرد، لذت می برد.

عبدالقاهر جرجانی درباره ی ابهام شعر می گوید: «معنی به مانند مرواریدی است در صدف. تا صدف را نشکنی، آشکارنشود؛ یا به مانند دلی پرده گی که تا اجازت و دستوری نداشته باشی حجاب از چهره بر نمی دارد». پس کنایه به دلیل مبهم و پوشیده بودن و کشفی که در پی دارد زیباست. (همان، ص ۶۲)

۵- آوردن جزء و اراده ی کل: شعر را با کلی گویی کاری نیست. کلی گویی کار فلسفه است. فلسفه برخورد با مسائل حیات است؛ ادبیات نیز، متها از راه جزئیات یا، بهتر بگوییم، از راه فرد کلی، یعنی فردی که صورت نوعی افراد باشد کل امری است ذهنی، بی شکل و نامشخص و غیر ملموس؛ برخلاف، جز مشخص و دقیق و ملموس است. (همان، ص ۶۳)

۶- ایجاز: در کنایه ایجاز هست، ایجاز هنری؛ زیرا لفظ یکی است و معنای دو. (همان، ص ۶۴)

۷- غرابت و آشنایی زدایی: با ترفند کنایه، کلام فرسوده خبری غرابت و تازگی پیدا می کند کنایه کیمیایی است که مس زبان خبری را بدل به زر شعر می سازد کنایه زبان خبر را بدل به پدیده ای شگفت و ناآشنا می کند.

اهمیت کنایه های جدید و سیر نزولی اهمیت آنها در اثر کاربرد بر طبق نظریه پیام رسانی قابل بررسی است. براساس این نظریه، کثرت کاربرد با پیام رسانی رابطه معکوس دارد؛ یعنی هر چه میزان کاربرد چیزی بالاتر برود پیام رسانی کمتر می شود.

کنایه جدید، در اولین کاربردش، کاملاً غرابت دارد و توجه برانگیز و اطلاع دهنده است و با تکرار از میزان غرابت و توجه برانگیزی و اطلاع دهنده گی آن کاسته می شود.

ممکن است تکرار کنایه ای به حدی برسد که اطلاع دهندگی آن به صفر برسد و اصلاً توجه برانگیز نباشد و فاقد ارزش شعری گردد. (همان، صص ۶۶-۶۷)

۸- استدلال: در کنایه معنی ملازم ما را به معنی اصلی دلالت می کند یعنی ذهن از طریق استدلال از ملازم به معنی اصلی می رسد. پس استدلال یکی از ویژگی های مهم کنایه است. دیگر صور خیال، تشبیه و استعاره و مجاز، فقط در عواطف تأثیر دارند؛ اما کنایه، به سبب استدلالی بودنش، هم در عواطف تأثیر می گذارد و هم در عقل. (همان، صص ۶۸-۶۹) خوانندگان محترم برای مطالعه به اصل مقاله (کنایه نقاشی زبان) مراجعه کنند.

کنایه از دیدگاه احمد هاشمی مؤلف جواهر البلاغه^۱

الْكُنَايَةُ: لَفْظٌ مَا يَتَكَلَّمُ بِهِ الْإِنْسَانُ، وَيُرِيدُ بِهِ غَيْرَهُ.

و هي: مُصَدِّرُ كُنَيْتٍ، أَوْ كُنُوتٌ يَكْذِبُ، إِذَا حُرِّكَتِ التَّصْرِيحُ بِهِ.

وَاصْطِلَاحًا: لَفْظٌ أُرِيدَ بِهِ غَيْرُ مَعْنَاهُ الَّذِي وَضَعَ لَهُ، مَعَ جَوَازِ إِرَادَةِ الْمَعْنَى الْأَصْلِيَّةِ لِقَدَمِ وُجُودِ قَرِينَةٍ مُنَاعَةٍ مِنْ إِرَادَتِهِ نَحْوُ: زَيْدٌ طَوِيلٌ النَّجَادِ تُرِيدُ بِهَذَا الرُّكْبَانِ أَفْئَةُ شَجَاعٍ عَظِيمٍ، فَعَدَّلَتْ عَنِ التَّصْرِيحِ بِهَذِهِ الصَّفَةِ، إِلَى الْإِشَارَةِ إِلَيْهَا بِشَيْءٍ يَتَرْتَّبُ عَلَيْهِ وَتَلْزُمُهُ. (جواهر البلاغة، صص ۳۳۷-۳۴۸)

وَتَنْقَسِمُ الْكُنَايَةُ بِحَسَبِ الْمَعْنَى الَّتِي تُشِيرُ إِلَيْهَا ثَلَاثَةً أَقْسَامٍ:

۱- كُنَايَةٌ عَنْ صِفَةٍ: كَمَا تَقُولُ هُوَ رَيْبٌ أَبِي الْهَوْلِ تَكْنِي عَنْ شِدَّةِ كُنَاهُ لِسِرِّهِ.

و تُعْرَفُ كُنَايَةُ الصَّفَةِ بِذِكْرِ الْمَوْصُوفِ مَلْفُوظًا أَوْ مَلْحُوظًا مِنْ سِيَاقِ الْكَلَامِ.

۲- كُنَايَةٌ عَنْ مَرْصُوفٍ: كَمَا تَقُولُ «أَبْنَاءُ النَّيْلِ» تَكْنِي عَنِ الْمِصْرِيِّينَ وَ«مَدِينَةُ النُّورِ» تَكْنِي عَنِ بَارِسَ وَ تُعْرَفُ بِذَلِكَ الصَّفَةُ مُبَاشَرَةً، أَوْ مُلَازِمَةً وَ مِنْهَا قَوْلُهُمْ «تَسْتَفِنِي مِصْرٌ عَنْ مَصِيبِ النَّيْلِ وَ لَا تَسْتَفِنِي عَنْ مُبْنِيهِ» كُنُوا بِمَنْعِ النَّيْلِ عَنْ أَرْضِ السُّودَانِ. (همان، ص ۳۴۹) ...

۳- كُنَايَةٌ عَنْ نِسْبَةٍ: وَسَيَأْتِي الْكَلَامُ عَلَيْهَا فِيمَا بَعْدُ. (همان، ص ۳۵۰).

۱ - احمد هاشمی، جواهر البلاغة، ترجمة، دکتر محمود خورشیدی و حمید مسجد سرائی، کاشان: نشر فیض، چاپ دوم،

www.ketab.ir